

می‌گفت سال قبل همان مکان را خودش شخم زده بود.»

من هلال احمری هستم

مین و مواد منفجرنده باقیمانده از جنگ مستعد و دربردارنده خطراتی است که هر آن ممکن است جسم و روان انسان‌ها را به مخاطره بیندازد و رهایی از این مخاطرات نیازمند حرکتی جمعی، همدلی و همراهی دولت و مردم است. به همین منظور برگزاری کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی رامی توان اقدامی ارزشمند در راستای تربیت افراد آگاه و تعمیم آموزش به لایه‌های مختلف ساکنان مناطق آلوده به مین تلقی کرد. برسان در توضیح این مسأله می‌گوید: «در همین راستا، جمعیت هلال احمر استان کردستان براساس وظیفه ذاتی خود بحث آموزش را در اولویت قرار داده و آموزش مربیان پروژه آگاه‌سازی از خطرات مین را به صورت مداوم انجام داده است. این جمعیت طی سال‌های گذشته به صورت مداوم با همکاری صلیب سرخ جهانی و سازمان امداد و نجات دوره‌های متنسجم و اثرگذاری درباره مواجهه با مین برای مردم برگزار کرده است.» بگذارید حرف‌های راوی، پایان‌بندی برای این گزارش باشد: «نهضت بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر دو هدف تعریف شده دارد: یکی از این اهداف «تسکین آلام بشری» و هدف دیگر «حمایت از زندگی و سلامت انسان‌ها بدون در نظر گرفتن هیچ‌گونه تبعیض میان آنها» است. همین هدف‌ها، همین کنه من هلال احمری هستم.» باعث شد تا به این عرصه ورود کنم. □



«شهروند» از اقدامات و فعالیت‌های داوطلبان جمعیت هلال احمر در آگاه‌سازی از خطرات مین و مهمات منفجرنده گزارش می‌دهد:

مین‌ها با ما دوست نیستند

«حسام خراسانی» حرف‌هایش کوتاه و ژبریده بریده شده است: «ثالا» به گُردی می‌دانی یعنی چه؟ یعنی، پرچم، نشان، گل قرمز. «ثالا» شش دوست داشت، متین، زانا، سینا، خیات، بهنوش، گدشین. لاید می‌پرسی چرا از «ثالا» حرف می‌زنم، من ۱۷ سال است راوی قصه ثالاها هستم؛ راوی قصه‌های تلخ، بگذار یکی از این قصه‌های تلخ را با شما مرور کنم: «یکی بود، یکی نبود؛ غیر از خدای مهربون هیچ‌کس نبود. توی به سرزمین دور... نه خیلی هم دور... نه، اصلا همین نزدیکیا، همین حوالی، توی همین کوچه پس‌کوچه‌ها؛ هفت کودک، هفت همبازی با هم می‌خوانند: «گرگم به هوا، هوازمینه هرکس بشینه گرگ زمینه». راوی به اینجا که رسید، یک دفعه حرف‌هایش را قطع کرد: «گرگ زمین» برش آخر حرف‌های ژبریده بریده اوست. انگار او دوست ندارد روایت‌کننده پایان این قصه تلخ باشد؛ قصه تلخ انفجار یک مین، قصه‌ای که پایانی شد بر آواز هفت کودک. قصه‌ای که سال‌هاست قربانی می‌گیرد. «سمیه برسان» ۱۷ سال است، که روستا به روستا روایتگر این رویداد تلخ است. راوی‌ای که ۱۷ سال است با عنوان نماینده پروژه آموزش خطرات مین و مهمات منفجرنده باقیمانده از جنگ در جمعیت هلال احمر استان کردستان مشغول به فعالیت است. او قصه می‌خواند برای کودکان، مادرها، پدرها و برایشان از زخم نشسته بر دل زمین، از گرگ پنهان در زمین می‌گوید. آنچه در ادامه می‌آید، روایت دیگری از زبان این فعال اجتماعی است.

خانواده‌های قربانیان را در اولویت قرار داده‌اند. در طول این سال‌ها دوره آموزشی آگاهی در خصوص خطرات مین در مناطق مرزی از جمله مدارس و مساجد برگزار شده است. به عنوان مثال در استان کردستان در طول هر سال نزدیک به ۱۰ هزار نفر آموزش‌های لازم را می‌بینند.

سمیه برسان یکی از همین افراد است که عزم کرده تا با روایت تلخی‌های این رویداد در راستای آگاهی‌بخشی در این زمینه فعالیت کند. او در گفت‌وگو با «شهروند» در مورد این ضرورت می‌گوید: «مین‌ها با ما دوست نیستند، برای یک مین چرخ‌های اریه جنگی یا انگشت‌های کوچک کودک چند ساله فرقی ندارد؛ او قربانی می‌گیرد؛ بدون آنکه بی‌پرس چه کسی هستی؟ شغلت چیست و چندسال داری؟ کشاورز، دامدار، کودک، گردشگر و حتی یک جهانگرد می‌تواند با قوه قربانی یکی از مین‌هایی باشد که در بستر خاک آرام گرفته است.» آمارها گواه صحبت‌های این فعال اجتماعی است. براساس آمار ارایه شده در هر ۲۲ دقیقه یک نفر را اثر برخورد مین جان خود را از دست می‌دهد یا مجروح می‌شود. به همین منظور صلیب سرخ جهانی از سال ۸۳ در قالب پروژه آموزش و آگاه‌سازی از خطرات مین و مهمات منفجرنده با سازمان امداد و نجات در استان‌های آلوده به مین شروع به کار کرد و دوره‌های مختلف تربیت‌مربی با حضور نمایندگان کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و سازمان امداد و نجات برگزار شد.

غنیتمی که جان می‌گیرد

بیشتر قربانیان مین، کارگران، کشاورزان، عشایر، کولبران و کودکان هستند. برسان در توضیح این مسأله می‌گوید: «به دلیل فقر اقتصادی، برخی از جوانان اقدام به جمع‌آوری مهمات باقیمانده از جنگ می‌کنند. آنها به جست‌وجوی فلزاتی می‌روند که می‌تواند قاتل جان‌شان شود. برخی از افراد هم از ادوات جنگی به عنوان شیء تزئینی استفاده می‌کنند، همه این موارد ناشی از نبود آگاهی است.» این فعال اجتماعی ادامه می‌دهد: «بیشتر این مردم با مین آشنایی ندارند و نمی‌دانند در صورت دیدن آن باید چه کنند. مادر آموزش‌ها به افراد می‌گویم که اگر مین دیدند به مرکز مین زدایی اطلاع بدهند. یا اگر مین منفجر شود آسیب دیدند چه کنند که تا رسیدن نیروهای امدادی زنده بمانند. ما عکس مین‌های مختلف را نشان می‌دهیم و از نحوه عملکرد آنها می‌گویم. بسیاری از این مین‌ها در نزدیکی محل بازی بچه‌ها یا در محل چرای دام‌ها قرار دارد و با ضربه آرامی ممکن است عمل کند. این مین‌ها فقط ساکنان بومی را به خطر نمی‌اندازد بلکه گردشگرانی را هم که به این مناطق سفر می‌کنند، تحت تأثیر قرار می‌دهد. به اعتقاد او، باک‌سازی از مهم‌ترین و با اولویت‌ترین اقداماتی است که برای مقابله با این سلاح مرگبار باید اتخاذ شود. اما افزایش آگاهی مردم نسبت به خطرات و تهدیدات مین از طریق آموزش به آنان از کلیدی‌ترین اقداماتی است که باید در این عرصه صورت گیرد. بر همین اساس آموزش به افراد به ویژه کسانی که در مناطق آلوده به مین زندگی می‌کنند، می‌تواند تعداد قربانیان را به نحو قابل ملاحظه‌ای کاهش دهد. نکته دیگری که این فعال اجتماعی به آن اشاره دارد جابه‌جایی مین‌ها در مناطق مرزی است: «باران و تغییرات اقلیمی در مناطق، باعث جابه‌جایی مین‌های باقیمانده از زمان جنگ تحمیلی می‌شود و در نتیجه این جابه‌جایی، شهروندان دیگری هم قربانی می‌شوند؛ شهروندانی از قبیل کودکان عشایر، کشاورزان و مردم محلی. در موردی کشاورزی دچار حادثه مین شده بود که

آمارها می‌گویند طی جنگ هشت ساله با عراق بیش از ۱۶ میلیون مین در پنج استان غربی کشور کاشته شده و حدود ۴ میلیون و ۲۰۰ هزار هکتار زمین را آلوده کرده است. استان ایلام با یک میلیون و ۷۰۰ هزار هکتار، خوزستان با یک میلیون و ۵۰۰ هزار هکتار، کرمانشاه با ۷۰۰ هزار هکتار، آذربایجان غربی با ۱۵۰ هزار هکتار و کردستان با ۱۵۰ هزار هکتار سطوح آلوده به مین و مهمات باقیمانده از جنگ کشور را تشکیل داده‌اند. اگرچه بلافاصله پس از جنگ و امضای قطعنامه ۵۹۸، باک‌سازی مناطق آلوده شروع شد، اما هنوز هم در مناطق نزدیک به مرز آن قدر مین وجود دارد که نمی‌دانی در حین راه رفتن وقتی پایت را از زمین برمی‌داری، آیا در قدم بعدی، آن را سالم خواهی دید یا نه؟ مثل ماجرای تلخ هفت کودک مریوانی؛ قطعاً در لحظه‌هایی که «ثالا»، «متین»، «زانا»، «سینا»، «خیات»، «بهنوش» و «گدشین» در روستای نشکانش، شهرستان مرزی مریوان قدم‌هایشان را از زمین برداشته‌اند، اصلا به ذهن‌شان هم نمی‌رسید که ثالاها با همبازی‌های خود در جنگستان‌ها با هم چشم‌هایشان خدا حافظی کنند.

تربیان راوی این رویداد تلخ است: «عصر جمعه سال ۹۶ یکی از کودکان کنج‌کاور و روستایک مین را که در یک پایگاه متروکه بجا مانده، پیدا می‌کند و آن را با خود به غنیمت می‌برد. کودک غنیمت جنگی خود را با ۶ همبازی دیگر خود تقسیم می‌کند. نتیجه این تقسیم هم می‌شود قطع انگشتان پای یکی از این کودکان و چشم کودک دیگر. میراث چهار کودک دیگر نیز جرات جسمی و روحی است از این غنیمت جنگی. «راوی به اینجا که می‌رسد، حرف‌هایش ژبریده بریده می‌شود؛ برایش حرف زدن از انفجار و مرگ تلخ است، اما قصه‌های بی‌شماری از قربانیان این غنیمت برای گفتن دارد. او قصه‌هایش را روستا به روستا روایت می‌کند تا زرد و زخم‌نشسته بر دل زمین بگوید؛ از ضرورت یک آگاهی.

مین‌ها با ما دوست نیستند!

براساس گزارش‌ها، از هر ۱۰ قربانی مین هفت نفر غیر نظامی بوده که سه نفر آنان نیز کودک بوده‌اند. آمار می‌گوید که بی‌انگیزه‌ترین ضرورت آگاهی‌بخشی در این حوزه است. به همین منظور جمعیت هلال احمر در این حوزه ورود کرده است.

سالانه جمع‌کنشی از هم‌وطنان مان در مناطق مرزی با تهدیدی به نام انفجار مین‌های منفجر نشده زمان جنگ مواجه هستیم. افرادی که برای در امان ماندن از این خطر بالقوه به آموزش مستمر نیازمندند. تا به حال جمعیت هلال احمر برای دهیاران، معلمان و دانش‌آموزان مدارس، دوره‌های متعددی از آموزش‌های آگاه‌سازی مین برگزار کرده است. این آموزش‌ها را سازمان امداد و نجات جمعیت هلال احمر و البته با همراهی فدراسیون بین‌المللی جمعیت‌های صلیب سرخ و هلال احمر بر عهده گرفتند. از نگاه برسان آگاه‌سازی مردم در راستای مقابله با خطرات مین‌ها، برای این مین‌ها یکی از اولویت‌های اصلی هلال احمر برای کاهش آلام ناشی از مین است. آموزش رفتارهای صحیح به روستاییان، آموزش آشنایی با علائم مناطق پرخطر و نشانه‌های خطر و انواع صدمات موادمفجر نشده و پیامدهای آنها به عشایر و گردشگران اعزامی از اهداف اختصاصی این آموزش‌هاست. بنا به گفته برسان، این آموزش‌ها در قالب برگزاری دوره‌ها، توزیع بروشور، نصب بنر ماکت، پوستر و... در مناطق پرخطر استان بوده است.

اعضای این سازمان مردم‌نهاد تمام همت‌شان را بر آموزش خطرات ناشی از انفجار مین و مواد منفجره باقیمانده از جنگ گذاشته‌اند و کاهش آسیب‌های روانی و اقتصادی

آگاه‌سازی از خطرات مین یک ضرورت

«سیدحسین مهدیان‌نسب» مربی خطرات مین و مواد منفجرنده در سده اخیر گستردگی و بهره‌گیری متعدد از سلاحی به نام «مین‌های زمینی» باعث شده است که فاجعه‌انگیزترین تراژدی‌های تلخ و مرگبار در طول این سال‌ها در دنیا رخ دهد. گزارش‌های بین‌المللی نشان می‌دهد بیش از ۸۴ کشور جهان با این مسأله تلخ مواجه هستند. در کشور ما نیز طی هشت سال جنگ تحمیلی دشمن تعداد بسیاری مین در بخش‌های وسیعی از اراضی کشور کاشت و البته ناگفته نماند که در طول سه دهه پس از جنگ گروه‌های جهادی تلاش‌های بسیاری برای پاک‌سازی مناطق آلوده کردند. علاوه بر این تعداد بسیاری از مهمات منفجرنده نیز در محل‌های آلوده باقی مانده است که از آن با عنوان مهمات باقیمانده از جنگ نام برده می‌شود. متأسفانه آسیب‌های ناشی از مین‌ها باعث معلولیت، مراقبت‌های طولانی‌مدت و صرف هزینه‌های گزاف برای بهبودی افراد آسیب‌دیده می‌شود. براساس تعریف مندرج در پیمان اتاوا مین هر وسیله‌ای است که روی سطح زمین یا زیر خاک قرار می‌گیرد و به گونه‌ای طراحی شده است که در اثر حضور، نزدیکی یا تماس یک فرد منفجر می‌شود. باید توجه داشت که این مین‌ها با توجه به شکل، جنس، شرایط جوی و خاک منطقه می‌توانند عملکردی متفاوت داشته باشند. به‌طور مثال در برخی از مناطق ماسه‌ای به دلیل شرایط جوی و ویژگی زمین احتمال جابه‌جایی یک مین را نیز باید مدنظر قرار داد. مسأله‌ای که خود برهانی برای توجه به موضوع آموزش و آگاهی از خطرات مین است. به همین منظور جمعیت هلال احمر با تبیین گروه‌های هدف به آموزش این مهم در شهرهای مرزی پرداخته است. اهالی بومی، کودکان، گردشگران مناطق مرزی و کشاورزان از جمله گروه‌های هدف هستند که در جمعیت هلال احمر در موضوع آموزش‌های آنها کوشیده شده است. سال گذشته نزدیک به ۳۰ هزار نفر در پروژه آگاهی از خطرات مین در ۶ استان ایلام، آذربایجان غربی، خوزستان، کردستان، کرمانشاه و خراسان رضوی آموزش‌های لازم را فرا گرفتند.

نصب بنر، پوستر و ماکت انواع مین‌ها در مناطق حساس، برگزاری کارگاه ویژه در سطح امکان‌دویتی، مدارس و مساجد و توزیع دفترچه‌های حاوی نکات ایمنی از جمله اقدامات جمعیت هلال احمر بوده است. همچنین مربیان جمعیت هلال احمر در روستاهایی که در حاشیه و در معرض مخاطرات مین هستند، با هماهنگی بخشدار، مسئول آموزش و پرورش و دهیار اقدام به تدریس و آگاهی مردم از مخاطرات مین و مواد منفجرنده کرده‌اند.

ضرورت آموزش خطرات مین و مواد منفجرنده به کودکان به‌عنوان گروهی از افراد در معرض آسیب جدی‌تر، آموزش رفتارهای صحیح، آشنایی با علائم مناطق خطر، نشانه‌های خطر، انواع صدمات مواد منفجرنده و پیامدهای آنها و در مجموع تغییر رفتار از اهداف پروژه آموزش و آگاه‌سازی ساکنان مناطق مرزی به شمار می‌آید. البته در شرایط کنونی به دلیل شیوع کرونا آموزش چهره‌به‌چهره و کارگاه‌ها برگزار نمی‌شود. اما برنامه‌ریزی شده است تا بودجه ذخیره‌شده در این مورد صرف خرید و توزیع اقلام بهداشتی در مناطق شود.

یکی دیگر از مواردی که اهمیت دارد، ارزیابی این آموزش‌هاست. جمعیت هلال احمر به صورت متداول این موضوع را واکاوی می‌کند که از گذشته تا به حال چقدر خطرپذیری در مورد مین و مواد منفجرنده کاهش پیدا کرده و در طول اجرای این پروژه از مجروح شدن و جان باختن تعدادی از هم‌وطنان با آموزش‌ها و اقدامات پیشگیرانه جلوگیری شده است. □

